

## تکریم حیات و منع خودکشی\*

دکتر محسن عینی

استادیار گروه حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مریم نوازی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

### چکیده

حیات انسانی دارای کرامت است و از منظر آموزه‌های دینی و اسناد فراملی تجاوز به آن، ناروا و جنایتی بزرگ است؛ از اینرو اقداماتی چون سقط جنین و قتل چنانچه مشروع نباشد، تعرض به حیات آدمی، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر، ارزیابی می‌شود. خودکشی، اتانازی و خودکشی یاری شده نیز اقداماتی ناقض حق حیات ارزیابی می‌شوند که توسل به آن‌ها اصولاً اقدامات مرتکب را از دایره حرمت خارج نمی‌کنند. در سیاست جنائی ایران تحت تأثیر آموزه‌های دینی و فقهی، خودکشی اگرچه مباح نبوده ولی مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است و به طور تبعی معاونت در خودکشی نیز جرم نیست. با وجود این قانونگذار ایران در قانون جرائم رایانه‌ای برخی از اقدامات یاری دهنده و تسهیل کننده خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را جرم معرفی کرده است. این مقاله پیشنهاد می‌کند در راستای تکریم حیات انسانی و پیشگیری از پدیده انحرافی خودکشی برخی از وجوه معاونت در خودکشی به عنوان جرم مستقل معرفی شود. اجرای اقدامات حمایتی فوری در مورد افرادی که به هر دلیل دست به خودکشی زده و موفق نشده‌اند از تدابیر ضروری دیگری است که از پدیده مزبور جلوگیری می‌کند.

واژگان کلیدی:

حق حیات، خودکشی، اتانازی، سیاست جنایی ایران.

---

\* تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۴/۲۵

حق حیات نخستین کرامت ذاتی است که خداوند به انسان اعطاء نموده است. برای اثبات کرامت ذاتی انسان، آیه ۷۰ سوره اسراء مورد استناد صاحب نظران است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم ... و بر بسیاری از مخلوقات خود برتریشان دادیم، آن هم چه برتری؟» این آیه با کمال صراحت ثابت می‌کند که خداوند متعال، فرزندان آدم (ع) را ذاتاً مورد تکریم قرار داده و آنان را بر بسیاری از کاینات برتری داده است. به همین دلیل قاطع و صریح، افراد انسانی باید این کرامت را برای یکدیگر به عنوان یک حق، شناخته و خود را در برابر آن مکلف ببینند. منشأ این کرامت ذاتی، رابطه بسیار مهم و با ارزش خداوند با انسان است و دمیدن روح الهی در وجود انسان که قرآن در آیه ۷۲ سوره «ص» به آن بشارت داده است: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ و از روح خویش در او دمیدم». (جعفری، ۱۳۷۷: ۱۰۸). این نوع حیات، به صرف انسان بودن به او بخشیده شده بنابراین هیچ کس، حتی خود او، حق نقض آن را ندارد و به همین دلیل، قتل نفس که در واقع بارزترین نوع تعرض به حیات آدمی است، همواره در طول تاریخ به عنوان جرمی طبیعی (در مقابل جرایم قراردادی) شناخته شده و مستحق مجازات سنگین معرفی شده است. خودکشی نیز از این جهت که حیات را سلب می‌کند مشابه قتل است؛ با این تفاوت که در قتل، با تعدد فاعل و مفعول مواجه‌ایم اما در خودکشی با وحدت این دو. قاتل به جای تعرض به حیات دیگری، متعرض حیات خود می‌شود و به قتل خویش، اقدام می‌کند. گمان وی آن است که مختار است و حق انتخاب دارد و می‌تواند به جای «بودن»، «نبودن» را انتخاب کند. مثلاً اگر بیمار است و اتفاقاً بیماری او از نوع صعب‌العلاجی است، شأن و مقام او این اقتضاء را دارد که با استفاده از حق انتخاب خود، با افتخار به استقبال مرگی شیرین (اتانازی) برود؛ این که آیا انتخاب نبودن و نیستی حسب موازین اخلاقی و حقوقی موجه و مشروع است یا خیر و اساساً منشأ حق حیات چیست و چه کسی آن را به انسان اعطا و چه کسی حق ستاندن آن را دارد، موضوعی است که در این مقاله مورد بررسی و در نهایت وضعیت آن را در سیاست جنایی ایران مورد توجه قرار می‌دهیم و برای رفع کاستی‌های آن پیشنهادات خود را مطرح می‌کنیم.

#### ۱- حق حیات

حق که واژه‌ای عربی است، در لغت به معنای راست و درست، ضد باطل، ثابت و واجب و ... آمده است (عمید، ۱۳۷۴: ۷۷۹) و معادل انگلیسی آن، کلمه «Right» می‌باشد (Crawley, 2002: 306). در فرهنگ حقوقی آکسفورد، سه معنا برای آن بیان شده: ...

۲. منفعت یا امتیازی که به وسیله قانون به رسمیت شناخته شده است و حمایت می‌شود ۳. آزادی اجرای هر توانایی اعطا شده به وسیله قانون» (A. Martin, 2002: 435). اما حقوق دانان و صاحب نظران تعریفی واحد و جامع از «حق» ارائه نداده و هر یک از منظر و نگاهی آن را تعریف کرده‌اند: به اموری که در قانون پیش‌بینی شده و افراد مجازند به قصد خود برخی از آن‌ها را تغییر دهند یا آن را نوعی مال شمرده، که در مقابل عین، دین، منفعت و انتفاع به کار می‌رود (لنگرودی، ۱۳۸۳: ۲۱۶). برخی نیز حق را به امتیازی تعبیر کرده‌اند که هر شخص در برابر دیگران از آن برخوردار است و به او توان خاصی می‌بخشد. حق، اصولاً به منظور تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، اعطا شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۳) و در حقوق اسلامی نیز عقیده بر این است که هر حق، دست کم باید یکی از سه اثر: قابلیت اسقاط، قابلیت نقل و قابلیت انتقال را دارا باشد (لطفی، ۱۳۸۱: ۱۵). «حق حیات» نیز همان‌طور که در ادامه به تبیین بیشتر آن خواهیم پرداخت، نخستین کرامت ذاتی است که خداوند آن را به انسان اعطا نموده است و حفظ این هدیه الهی، تکلیفی یک جانبه است که رعایت آن، از هر فرد انسانی خواسته شده است. به عبارت دیگر، حق حیات امتیازی است که هر شخص در برابر دیگری از آن برخوردار بوده و مادامی که خود شخص این کرامت و امتیاز را به سبب جنایت و خیانت بر خویشتن و دیگران از خود سلب نکند، دیگران مکلف به مراعات این حق می‌باشند. حق حیات، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر، در اسناد بین‌المللی مورد اشاره واقع شده و حمایت از آن بر عهده قانون گذارده شده است. اولین سند بین‌المللی حقوق بشر، با نام اعلامیه جهانی حقوق بشر، برای نخستین بار در سال ۱۹۴۸ (سه سال پس از پایان جنگ جهانی دوم) بیان می‌دارد: «هر کس حق حیات ... دارد». «حق حیات» در این اعلامیه، به لحاظ تاریخی، از حمایت در مقابل قتل عمد ناشی شده است (فریدن، ۱۳۸۲: ۱۳۸). این اعلامیه که فی نفسه به دلیل اعلامیه بودن، سندی الزام آور تلقی نمی‌شد، با هدف «ایجاد یک استاندارد مشترک موفقیت برای مردم» جهت رعایت حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی الگویی شد برای تلاش‌های آتی به منظور تدوین قواعدی الزام آور در این مورد. در سال ۱۹۵۴ مجمع عمومی سازمان ملل، کار تهیه پیش‌نویس دو میثاق به منظور اجرای مفاهیم مندرج در اعلامیه را آغاز نمود. این پیش‌نویس‌ها در سال ۱۹۶۶ تحت عنوان: «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» توسط مجمع عمومی به تصویب رسید، هر دو در سال ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شدند، که از جمله حقوق لازم‌الرعایه مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و در حقیقت اولین و بنیادی‌ترین آن‌ها «حق حیات» است، حقی که از سوی کمیته حقوق بشر (در مقام ناظر بر حسن اجرای

میثاق) «حق برتر» خوانده شده است (نیکنام، ۱۳۸۲: ۲). این حق در کنوانسیون‌های دیگر هم مورد شناسایی واقع شده است: بند اول ماده ۲ از بخش اول «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰، بند اول ماده ۶ از بخش سوم «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، بند اول ماده ۴ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹، بند اول ماده ۱ «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰، «اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین» مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳، در بند ۶۳، ذیل عنوان حقوق معلولین. در تمام این کنوانسیون‌ها به اصالت حق حیات به عنوان یک حق ذاتی تصریح شده و تأکید می‌کند که این حق باید به وسیله قانون حمایت شود.

آیا می‌توان در نقطه مقابل شناسایی حق حیات، حق مرگ را به رسمیت شناخت؟ آیا اجازه تسریع در مرگ، به انسان‌ها داده شده؟ حفظ حیات، حقی قابل اسقاط است یا تکلیف است و حکم؟ و اساساً منشأ این حق چیست؟

از منظر آموزه‌های ادیان الهی در این راستا دو تصویر قابل ترسیم است، اول زمانی که می‌گوییم انسان یک جاندار است و حیات دارد و به طور طبیعی از حق حیات خود دفاع خواهد کرد، توالد می‌کند، لذت را درک می‌کند و درد را می‌چشد و زندگی مطلوب را برای خود می‌خواهد و در ادامه حیات خود، حالت جنگ و دفاع به خود می‌گیرد. تصویر دوم، زمانی که می‌گوییم انسان، جاندار است و حیات دارد و از قداستی الهی به طور طبیعی برخوردار است و مورد توجه مستقیم خدا است (جعفری، ۱۳۷۷: ۱۳۶). در این تصویر، بدیهی است که حق اصطلاحی قابل استفاده نیست که قابل اسقاط و نقل و انتقال باشد و افراد مجاز نیستند تا به هر نحو که خواستند با حیات خود معامله کنند و تصمیم به خودکشی بگیرند، زیرا که حیات، مستقیماً با مشیت خدا در ارتباط است و انسان موظف است تا آن جا که قدرت دارد به حیات ادامه دهد و از کرامت خود دفاع کند.

## ۲- مظاهر نقض حق حیات

با تمام حرمتی که حق حیات در میان ملت‌ها دارد اما هم چنان با مواردی برخورد می‌کنیم که حق حیات را نقض می‌کند؛ قتل، خودکشی، اتانازی، خودکشی یاری شده، کشتار دسته جمعی، سقط جنین، مجازات اعدام، و ... از زمره این موارد است. در این مقاله پیرامون همه موارد نقض حق حیات بحث نمی‌کنیم، بلکه فقط به خودکشی و مفاهیم مشابه آن (اتانازی و خودکشی یاری شده) می‌پردازیم.

در زبان انگلیسی، کلمه «Suicide» به معنای خودکشی، برای اولین بار در سال ۱۶۴۲ میلادی و بر پایه کلمات لاتین «sui» به معنای «خود» و «cader» به معنای «کشتن» ابداع گردید (رضائیان، ۱۳۸۶: ۱۵). خودکشی به معنای: عمل کشتن شخص به وسیله خودش به نحو ارادی آمده است (A. Martin, 2002: 484). هر ساله حدود یک میلیون نفر مرتکب خودکشی می‌شوند؛ این یعنی تقریباً سه هزار مرگ در یک روز، یا به عبارت دیگر، یک مرگ در هر چهل ثانیه. دومین عامل مهم مرگ و میر بین گروه سنی ۱۰ تا ۲۴ ساله، خودکشی است. اهمیت این موضوع تا بدان حد است که یک روز به نام «روز جهانی پیشگیری از خودکشی»؛ «World Suicide Prevention Day» نام‌گذاری شده است (www.who.int). به لحاظ تاریخی، تحقیق در مورد خودکشی به صورت علمی سابقه چندانی ندارد و اولین اثر جامع در این زمینه را می‌توان کتاب معروف امیل دورکیم، جامعه‌شناس معروف فرانسوی، به نام خودکشی دانست که در سال ۱۸۹۷ در فرانسه منتشر شد (مظاهری تهرانی، ۱۳۸۶: ۴۳). بر اساس تعریف دورکیم، خودکشی عبارت است از: «هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم و یا غیر مستقیم کردار مثبت یا منفی خود قربانی است که می‌دانسته است که می‌بایست چنان نتیجه‌ای به بار آورد. اقدام به خودکشی عملی است که بدین سان تعریف شده است اما قبل از این که به مرگ منجر شود، متوقف شده است» (دورکیم، ۱۳۷۸: ۶). علل ارتکاب خودکشی ممکن است مسائلی چون: تنهایی، پیری، عشقی و عاطفی، ازدواج‌های تحمیلی، شکست در زندگی، طلاق والدین، ناامیدی و یأس نسبت به آینده، شکست‌های تحصیلی، فقر، بیکاری، عوامل اقتصادی، احساس نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی، ضعف باورهای مذهبی، اعتیاد به الکل، زندگی شهری، فدا کردن خود برای نجات خانواده، جامعه، کشور و ... باشد. افراد با خودکشی ناقض حق حیات خویش، می‌شوند.

## ۲-۲- اتانازی

واژه اتانازی یا آتانازی از پیشوند یونانی «Eu» به معنای «خوب و آسان» و واژه «Thanasia» به معنای «مرگ» مشتق شده است و واژه «Thanasia» خود از «Thanatos» که الهه مرگ در یونان بوده است، گرفته شده است. این واژه در ابتدا با مسائل پزشکی و اخلاق پزشکی و درمان بیماران ارتباطی نداشت و به طور سنتی در معنای «مرگ راحت» مطرح می‌شد و در موقعیتی به کار می‌رفت که فرد با مرگی ناگهانی در زمان بسیار کوتاهی بدون درد و رنج بمیرد؛ تفاوتی نبود که از اصابت گلوله در جنگ در یک لحظه بمیرد و یا این که به صورت تصادفی ضربه‌ای به او وارد شود و یا به دلایل دیگر (کرمی، ۱۳۸۱: ۱۷). در لغت، «Euthanasie» به معنای مرگ آسان، مرگ یا قتل

کسی که دچار مرضی سخت و لا علاج است (برای تخفیف درد) بکار رفته است. (کاظمی اسفه، ۱۳۸۵: ۴۳۱). اتانازی را به دو دسته تقسیم می‌کنند: اتانازی فعال و اتانازی غیرفعال (K. Sigelman, 2008: 500). اتانازی فعال زمانی واقع می‌شود که اقدامی به صورت فعل صورت گیرد و زمانی غیرفعال است که ارتکاب اتانازی به صورت ترک فعل واقع شود.

هر کدام از دو تقسیم بندی بالا، به سه دسته تقسیم می‌شود: داوطلبانه، غیر داوطلبانه و اجباری (Lo, Bernard, 2009: 151). حالت اول زمانی است که شخص، نسبت به خاتمه دادن به حیات خود، اظهار رضایت کرده باشد. حالت دوم زمانی که شخص قدرت بر انتخاب و امکان اظهار اراده ندارد. مثل نوزادی که بیماریش لاعلاج است و یا فرد بیماری که در حالت بیهوشی بسر می‌برد و امیدی به بیهوش آمدن او نیست یا شخص کاملاً فلجی که هیچ گونه امکان اظهار نظر ندارد. حالت سوم زمانی که شخص قادر به اظهار رضایت هست، لیکن اظهار رضایت نکرده و یا حتی اظهار عدم رضایت بر انجام آن نموده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۵۸). بنابراین، در مجموع شش حالت قابل تصور است:

۱. اتانازی فعال داوطلبانه (یا قتل از روی شفقت): تزریق عامدانه دارو یا اقدامی که منجر به مرگ بیمار شود و این هنگامی است که بیمار با رضایت کامل، چنین درخواستی نماید.  
 ۲. اتانازی فعال غیر داوطلبانه: این است که کسی از روی عمد و مستقیماً، منجر به مرگ دیگری شود. مانند تزریق داروی مهلک به بیماری که از بیماری رنج آوری، عذاب می‌کشد. در حالی که بیمار به دلیل فقدان صلاحیت، نمی‌تواند چنین درخواستی ارائه نماید.  
 ۳. اتانازی فعال اجباری: زمانی که داروی مرگ آوری به منظور خاتمه دادن به حیات، به بیمار تزریق می‌شود و این در حالی است که بیمار راضی به چنین اقدامی نیست. یا با این اقدام مخالفت کرده است.

۴. اتانازی غیرفعال داوطلبانه: بدین معناست که به بیمار در حال موت، اجازه دهیم تا به واسطه دلایلی طبیعی بمیرد. مانند: برداشتن لوله تغذیه از بیمار در حال درمان. این اقدام بنا به درخواست بیمار صورت می‌گیرد.

۵. اتانازی غیرفعال غیر داوطلبانه: این نوع اتانازی زمانی واقع می‌شود که بیمار در خصوص قطع درمان درخواستی ارائه نکرده اما شخص دیگری با قطع مداوا، منجر به مرگ او می‌شود.

۶. اتانازی غیرفعال اجباری: زمانی که بیمار با قطع درمان خود، مخالفت کرده اما شخص دیگری با پایان دادن به اقدامات درمانی، به صورت عامدانه منجر به مرگ او می‌شود.

از میان این شش حالت، یک توافق کلی وجود دارد مبنی بر این که اتانازی غیر داوطلبانه و اجباری، غیرقابل قبول است؛ زیرا بیمار هیچ حق انتخابی در این زمینه ندارد (Lo, Bernard, 2009: 151). اما در خصوص اتانازی داوطلبانه، توافق کلی دیده نمی شود و در میان فیلسوفان و اخلاقیون و پزشکان، موافقان و مخالفان دارد.

## ۲-۳- خودکشی یاری شده (Assisted Suicide)

خودکشی یاری شده، زمانی رخ می دهد که فردی از شخص دیگری برای خودکشی کمک بخواهد و او وسایل لازم را در اختیارش بگذارد. مثلا از پزشک مقدار زیادی مرفین بگیرد تا خود را بکشد، چنانچه شخص یاری دهنده، پزشک باشد، این اقدام بیمار، «خودکشی یاری شده به وسیله پزشک؛ Physician-assisted suicide» نام دارد. به عبارت دیگر، خودکشی یاری شده به وسیله پزشک به معنای فراهم کردن و در اختیار گذاشتن وسایل لازم، برای بیماری است که آرزوی مردن دارد، تا بدان وسیله خود را بکشد. یک تفاوت ظریف، بین اتانازی فعال و خودکشی یاری شده به وسیله پزشک، این است که در اتانازی فعال، پزشک شخصا مبادرت به ارتکاب فعلی چون تزریق داروی مرگ آور می کند اما در این جا پزشک فقط وسایل لازم را در اختیار بیمار می گذارد یا اطلاعاتی در این باره به او می دهد یا او را به انجمن شوکران برای دریافت اطلاعات، ارجاع می دهد ولی در نهایت، این بیمار است که خود را می کشد. به عبارت دیگر اقدام پزشک نوعی معاونت در خودکشی است و فرد شخصا مبادرت به خودکشی می کند (همان). اصولا خودکشی یاری شده به وسیله پزشک، امری غیرقانونی است، اما برخی کشورها گام هایی در جهت قانونمند سازی این اقدام برداشته اند. به عنوان نمونه: ایالت اراگون آمریکا، قانونی تحت عنوان «قانون مرگ با وقار؛ Death with dignity» را تصویب کرد که در نوامبر ۱۹۹۷ اجرایی شد (J. Gardner, 2008: 253). این قانون، خودکشی یاری شده به وسیله پزشک را قانونی کرد و به بیماران بزرگسالی که تا ۶ ماه یا کمتر از آن، زنده می مانند، اجازه داد تا درخواست تجویز داروی مرگ آور را ارائه نمایند (K. Sigelman, 2008: 500). ارائه چنین درخواستی، منوط به تحقق شرایطی بود که با تحقق آن، وسایل خودکشی به صورتی قانونی، در اختیار بیمار قرار می گرفت و او خودکشی می کرد. این گونه اقدامات ادامه داشت تا این که ۴ سال بعد، یعنی در سال ۲۰۰۱، نماینده حزب محافظه کار، آقای جان اشکروفت (John Ashcroft) با این اقدام مخالفت کرد (Editors of Idea, 2009: 35). تلاش های اشکروفت، مخالفت با جرم زدایی از این اقدام ناقض حیات بود اما این حرکت، عمری طولانی نداشت و در سال ۲۰۰۶، دیوان عالی آمریکا، آرایه را صادر کرد که به موجب آن، راه را برای همه

ایالت‌های آمریکا باز کرد تا به وضع قانون اقدام کنند (Dolgoft, 2008: 186). در بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷، تعداد ۳۴۱ بیمار در حال موت، بر اثر (تجویز) داوری مرگ آور (خودکشی یاری شده به وسیله پزشک) در ایالت اراگون، جان خود را از دست دادند و ایالت واشنگتن نیز که خودکشی یاری شده به وسیله پزشک را جرم می‌دانست به دنبال آرای صادره از دیوان عالی آمریکا، در سال ۲۰۰۹ این اقدام را قانونی کرد و لذا اراگون و واشنگتن دو ایالتی هستند که خودکشی یاری شده به وسیله پزشک را مشروع معرفی کرده اند (Edlin, 2009: 499).

### ۳- تحریم خودکشی در ادیان ابراهیمی

در خصوص خاستگاه حق حیات، ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) جملگی بر این عقیده‌اند که حق حیات، حقی است که از جانب خداوند به انسان‌ها اعطا شده است و هم اوست که حق ستاندن جان‌ها را دارد.

#### ۱-۳- شریعت یهود

شریعت یهود، حیات فرد انسانی را مقدس و حفظ آن را واجب می‌شمارد. طبق اصل «پیقوئح نفش؛ Piquah Nefesh» که یکی از اصول حاکم بر شریعت یهود است، نجات جان با توجه به حیات و سلامت، به عنوان یکی از وظایف اصلی انسان به شمار می‌رود (مظاهری تهرانی، ۱۳۸۶: ۸۳). کتاب مقدس یهودیان، که از آن به «عهد» تعبیر می‌کنند، شامل سه بخش است: تورات، کتب انبیا و مکتوبات. نخستین و مهمترین منبع حقوق کیفری یهود، «تورات» یا «اسفار پنج گانه» (سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لایوان، سفر اعداد و سفر تثبیه) می‌باشد. سه ماه پس از خروج بنی اسرائیل از مصر، موسی به فرمان خدا به کوه سینا رفت و در آن جا دو لوح دریافت کرد که ده فرمان بر آن‌ها نقش بسته بود (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۲۸). این ده فرمان که محور شریعت یهوداند، بیان کننده فرامینی‌اند که یکی از این فرامین، در فصل بیستم، سفر خروج، آیه ۱۳، مقرر می‌دارد: «قتل مکن» (گلن، ۱۳۸۰: ۱۴۰). این فرمان دارای جنبه کیفری است، و در آیه ۱۲ از فصل ۲۱، برای آن، مجازات اعدام تعیین شده است: «کسی که مردی را چنان بزند تا بمیرد البته باید کشته شود» (همان، ۱۴۲). عبارت «قتل مکن» که یکی از ده فرمان نازل شده به موسی می‌باشد به صراحت حاکی از اهمیت حیات انسانی است به طوری که با تعیین ضمانت اجرای سنگینی (مجازات اعدام)، از بنی اسرائیل می‌خواهد که مرتکب قتل که سلب حیات دیگری یا به عبارت دیگر، نقض حق حیات شخص دیگری است، نشوند. البته این عبارت به طور مطلق آمده و خطاب آن ناظر به نفس خود شخص نیز می‌باشد. به این معنا که مرتکب قتل خود نیز نشود. ستاندن جان، حقی است از آن خداوند، که به دیگران اجازه تعرض به آن را نمی‌دهد.



فرمان «قتل مکن»، تعرض به حیات مادی را تحریم می‌کند و در فرمانی دیگر، آیه ۱۶ می‌فرماید: «بر همسایهات شهادت دروغ مده» (همان، ۱۴۰). این آیه تعرض به حیات معنوی را تحریم می‌کند. منظور از حیات معنوی، همان شخصیت انسان است یعنی آرمان‌ها، ایده‌ها، عقاید، ناموس، اسرار، آبرو و ... (لطفی، ۱۳۸۱: ۷۹). این فرمان که مرتکب قتل نشو یا علیه همسایهات شهادت دروغ نده در سفر تشبیه، به ترتیب، آیات ۱۷ و ۲۰ نیز مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت، در شریعت موسی، حیات انسانی محترم است و تعرض به این حیات، چه به صورت قتل دیگری و چه به صورت خودکشی، اتانازی یا خودکشی یاری شده به وسیله پزشک، ممنوع است.

#### ۲-۳- شریعت مسیحیت

برای مسیحیان، حیات انسانی، هدیه‌ای از جانب آفریدگار تلقی می‌شود و باید این هدیه زندگی، به صورت عاقلانه و محتاطانه، برای رسیدن به اهداف زندگی مورد استفاده قرار گیرد (M. Ashley, 2006: 182). اسنادی که می‌تواند در این زمینه مورد استناد قرار گیرد، اناجیل هستند. آن چه در اناجیل محوریت دارد مطالبی است چون: وقوع رویدادهای خارق‌العاده به هنگام بارداری مادر عیسی و تولد او، دوران حدوداً سه ساله رسالت او و به ویژه هفته آخر زندگی او تا زمانی که به او خیانت شد و به صلیبش آویختند. این اسناد روایت‌هایی دقیق، درباره اهمیت زندگی و تعالیم عیسی هستند (گروتوس، ۱۳۸۵: ۴۸). بنابر آموزه‌های مسیح، هر انسانی تجلی خداوند در جهان است، نمادی از حضور وی و ذره‌ای از شکوه و جلال خداوند به شمار می‌رود، زندگی موهبتی از سوی خداوند به انسان است، انسانی که بر حق مرگ اصرار ورزد، حقیقت رابطه بنیادی خود را با خداوند انکار کرده است (مظاهری تهرانی، ۱۳۸۶: ۸۶): «۱. بود در ابتدا کلمه و آن کلمه نزد خدا بود و آن کلمه خدا بود ۲. و همان در ابتدا نزد خدا بود ۳. و هر چیز به وساطت او موجود شد و به غیر از او هیچ چیز از چیزهایی که موجود شده است وجود نیافت. ۴. در او حیات بود و آن حیات روشنایی انسان بود ۵. و آن روشنایی در تاریکی می‌درخشید و تاریکی در نمی‌یافتش ...» (انجیل یوحنا، باب اول، آیات ۱ تا ۵) (گلن، ۱۳۸۰: ۱۸۷). مسیح که در واقع ادامه دهنده شریعت یهود است، به همان تعالیم دین یهود تأکید می‌کند و از آن جا که این تعالیم، بیشتر در قالب داستان‌ها و رویدادهای واقع شده، بیان می‌شود، تحریم قتل نیز در بیان داستانی مطرح شده است (آیات ۱۶ تا ۱۸ از باب ۱۹ انجیل متی): «... ۱۶. که ناگاه شخصی آمده وی را گفت که ای استاد نیکو من چه فعل نیکو را به عمل آرم تا زندگی جاوید را یابم ۱۷. وی را گفت از چه رو مرا خوب گفتی و حال آن که هیچ کس خوب نیست جز یکی و آن خداست و اگر اراده آن داری که داخل حیات گردی فرائض را

نگاه دار ۱۸. گفت کدام {فرائض} عیسی گفت همین که قتل مکن و زنا مکن و دزدی مکن و شهادت زور مگویی ... « (همان، ۴۴). مشابه همین داستان در انجیل مرقس، باب دهم، در آیه ۱۷ و بعد از آن آمده است. هم حیات مادی و هم حیات معنوی مورد احترام این دین است. عیسی با آن که احکام تورات را نقض نمی‌کند، به آن‌ها وجهی افراطی و بنیاد ستیزانه می‌بخشد. عیسی به مخاطبانش می‌گوید: «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حکم شود.» ولی از این فراتر می‌رود و ادامه می‌دهد: «هر که به برادر خود بی‌سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد.» و نیز «هر آن که به دیگری دشنام گوید.» (گروتوس، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

بر اساس همین تعالیم است که امروزه کلیسا، در برابر خودکشی و اتانازی و عناوین مشابه آن، موضع‌گیری می‌کند و مخالفت خود را به صراحت با این اقدام ناقض حیات بشری اعلام می‌کند. پاپ ژان پل دوم، رساله معروف به «انجیل حیات؛ The Gospel Of Life» را در پی تهدیدهای قرن جدید برای حیات انسانی نوشت. او از فرهنگی به نام «فرهنگ مرگ» نام می‌برد که به گونه‌ای فزاینده، در حال گسترش است و به طرق مختلف، ارزش حیات انسانی را نادیده می‌گیرد و از منزلت انسان می‌کاهد. از نظر این رساله، حیات به ویژه حیات انسانی، تنها از آن خداوند است، هر کس بر حیات انسانی حمله برد به خود خداوند حمله برده است. مخالفت کلیسا چنان بود که اگر کسی خودکشی می‌کرد، آداب مردگان مسیحی را درباره او اجرا نمی‌کردند و حتی او را در گورستان مسیحیان به خاک نمی‌سپردند. در شورای اورلئان، در سال ۵۳۳ تصویب شد که کلیسا، هدایای کسی را که اقدام به خودکشی کرده، قبول نکند (اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۸-۳۹). هم چنان که ملاحظه شد، مسیحیت نیز همچون یهود، هر اقدام ناقض حیات را تحریم می‌کند. خواه این اقدام قتل باشد، خواه خودکشی یا اتانازی.

### ۳-۳- شریعت اسلام

اسلام که مکمل ادیان ما قبل خود می‌باشد، بارها در قرآن به این موضوع اشاره می‌کند که خداوند تنها کسی است که حیات و زندگی می‌بخشد و خود اوست که می‌میراند: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ...؛ چگونه خدا را منکرید؟ با آن که مردگانی بودید و شما را زنده کرد ...» (بقره / ۲۸) یا «هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ او زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او بازگردانده می‌شوید.» (یونس / ۵۶) در این آیات و تعدادی دیگر از آیات قرآن، (جاثیه / ۲۱ و ۲۶، اعراف / ۱۵۸، مومنون / ۸۰، حج / ۶۹، طه / ۱۱۱، روم / ۴۰، ق / ۴۳، فرقان / ۵۸، شعرا / ۸۱ و ...) (عبد الباقی، ۱۳۶۴: ۲۲۳-۲۲۶)، خداوند پس از این که اعطای حیات را از جانب خود معرفی می‌کند، بر این مطلب تأکید می‌کند که خود

اوست که حق گرفتن جانها را دارد و انسانها را از این که خودشان به دست خود، خودکشی کنند، منع می‌کند: «... وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ ... و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید» (بقره/ ۱۹۵)، «... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ؛ ... و خودتان را مکشید» (نساء/ ۲۹) در واقع طبق این آیات، منشأ حیات، خداوند است؛ کسی که حیات را به انسان هدیه داده و حق ستاندن آن را دارد (نه دیگران و نه حتی خود شخص). از مطالعه کلیه منابع عهد عتیق و عهد جدید ([www.tarikhema.ir](http://www.tarikhema.ir)) و مقایسه آن با قرآن می‌توان گفت، تحریم صریح خودکشی، تنها در دین اسلام و بر اساس آیات ۱۹۵ سوره بقره و ۲۹ سوره نساء می‌باشد. در دو دین یهود و مسیحیت، حکم به تحریم خودکشی، صرفاً بر اساس تفسیری است که از اطلاق فرمان «قتل مکن» و تأیید آن در توصیه‌های عیسی (ع) استنباط می‌شود.

#### ۴- سیاست جنایی ایران در قبال خودکشی

انتخاب تدبیر مناسب در برخورد با رفتاری مذموم، از موضوعات مطرح در سیاست جنایی است. این که تدبیر مناسب به منظور مقابله با خودکشی، حرکت به سمت جرم‌انگاری است یا جرم زدایی و اتخاذ تدبیری پیشگیرانه؟ پاسخ‌های ممکن به این پدیده چیست؟ از جمله مباحثی است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱-۴- خودکشی؛ جرم‌انگاری یا جرم زدایی

قانون‌گذار ایران، اقدام به خودکشی را مستقلاً به عنوان یک جرم تعریف نکرده و برای آن مجازاتی در نظر نگرفته است. به عبارت دیگر قانون‌گذار از سیاست جرم‌انگاری استقبال نکرده است. لذا از آن جا که اقدام به خودکشی در راستای اجرای این سیاست به عنوان یک رفتار مجرمانه تعریف نشده است، مطابق با اصول کلی حقوق کیفری، معاونت در خودکشی نیز قابل مجازات نخواهد بود. اولویت سیاست جنایی ایران بر محدود کردن دامنه جرایم است (جاهد، ۱۳۸۳: ۳) و نمی‌توان از اعمال مجازات نسبت به شخصی که اقدام به خودکشی نموده و از مرگ نجات یافته، انتظار دریافت نتیجه‌ای مثبت را داشت. در واقع، این فرد، نیازمند حمایت‌های مقتضی است تا مرتکب تکرار این رفتار ناهنجار نشود. عدم دریافت نتیجه مثبت از مجازات مرتکب خودکشی، لزوماً به معنای نادیده انگاشتن معاونت در خودکشی نیست؛ از این رو به منظور اتخاذ تدبیری پیشگیرانه، به نظر می‌رسد شایسته است برخی وجوه معاونت در این رفتار، به طور مستقل موضوع جرم قرار گیرد. جرم‌انگاری معاونت در یک رفتار مجرمانه به صورت مستقل، امری است که در قوانین کیفری ایران مسبوق به سابقه است، هر چند که آن رفتار مطابق با عمومات حقوق کیفری قابل مجازات باشد به همین جهت قانون‌گذار ایران در ۱۳۸۸/۳/۵، برخی وجوه خاص

رفتارهای مرتبط با خودکشی (بند ب ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه ای) را که در واقع در حکم معاونت در خودکشی است، استثنائاً، جرم انگاری کرده و مقرر داشته است: «هر کس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: ... ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود». آن چه به عنوان رفتار مجرمانه (معاونت در خودکشی) در این ماده بیان شده است، محدود به ارتکاب آن از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده است و معاونتی را که به غیر از این طریق، صورت گیرد، شامل نمی‌شود. علاوه بر اقدام فوق، می‌توان به فیلتر نمودن سایت‌هایی که به «آموزش خودکشی» و مسائل مرتبط با آن، اختصاص دارد، اشاره کرد.

#### ۲-۴- پاسخ‌های غیر کیفری به خودکشی

به منظور پاسخ‌دهی به پدیده خودکشی و رفتارهای مرتبط با آن، علاوه بر تدبیر کیفری (بند ب ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای) در رابطه با معاونت در خودکشی، می‌توان از تدابیر مدنی و اجتماعی یاد کرد: تدبیر مدنی اتخاذ شده در برخورد با مرتکب خودکشی، باطل اعلام نمودن وصیت شخصی است که پس از اقدام به خودکشی، وصیت نماید. ماده ۸۳۶ قانون مدنی در همین راستا مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی به قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمالی از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید، آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقاً منتهی به موت نشد وصیت نافذ خواهد بود.» مطابق با این ماده هرگاه نتوان انگیزه موصی را از ارتکاب به اقدام خطرناک، به درستی تعیین کرد، اقدام به اعمالی که به حکم عادت منتهی به مرگ می‌شود، اماره بر وجود قصد خودکشی است و اگر اقدام به خودکشی بعد از وصیت رخ دهد، در اعتبار و نفوذ آن اثر ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۰۹-۵۱۰). تدبیر حمایتی، تدبیر دیگری است که می‌تواند به کاهش تکرار خودکشی کمک نماید و آن ایجاد مراکز کمک‌کننده و حمایتی در استان‌ها است. با توجه به اهمیت کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و جرایم و با عنایت به وظایف سازمان بهزیستی کشور در خصوص لزوم حمایت از افراد در معرض آسیب اجتماعی از قبیل کودک آزاری، همسر آزاری، خودکشی و ... دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۸۳، با حمایت و تعامل با

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، نیروی انتظامی کشور، وزارت کشور، قوه قضائیه و دیگر ارگان های مربوطه، اقدام به راه اندازی خط تلفن اورژانس اجتماعی با شماره سه رقمی (۱۲۳) نمود که در ابتدا به موارد کودک آزاری اختصاص داشت ولی در حال حاضر سایر گروه های در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی مانند افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند یا قصد خودکشی دارند را نیز شامل می شود ([www.123.ir](http://www.123.ir)). علاوه بر این، می توان به فیلتر نمودن سایت هایی که به «آموزش خودکشی» و مسائل مرتبط با آن، اختصاص دارد، اشاره کرد.

#### نتیجه و پیشنهادها

کلیه ادیان ابراهیمی (یهود، مسیحیت و اسلام)، به خودکشی و مفاهیم مشابه آن: اتانازی و خودکشی یاری شده، به عنوان رفتارهای ناقض حق حیات، نگرسته اند و آن را گناهی برشمرده اند که مرتکب آن به دلیل تعدی به حدود الهی، مستحق عقوبت است. اطلاق عبارت «قتل مکن» در تورات و تکرار آن در انجیل (متی)، بیانگر تحریم قتل، اعم از قتل خود و غیر خود، در دو آیین یاد شده می باشد و اسلام نیز با تأکید بر موضع ادیان ما قبل خود، تنها خداوند را «محبی و ممیت» معرفی نموده و صراحتاً انسان ها را از خودکشی منع می نماید. وظیفه حمایت از این موهبت الهی به عنوان اولین موضوع نسل اول حقوق بشر، در بسیاری از کنوانسیون های بین المللی چون: اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ... مورد تأکید قرار گرفته است و بر عهده قانون گذار شده است. در ایران نیز «تکریم حیات و ممانعت از خودکشی» مورد اهتمام قانون گذار بوده و برای مرتکبین به خودکشی یا برخی صورت های معاونت در خودکشی به ترتیب، ضمانت اجرای مدنی (بطلان وصیت تحت شرایط ماده ۸۳۶ قانون مدنی) و کیفری (به شرح مذکور در بند ب ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه ای) لحاظ شده است. اما همان طور که بیان شد، خودکشی (به عنوان یکی از اقدامات ناقض حیات) مستقلاً جرم انگاری نشده و این امر، مطابق اصول کلی حقوق کیفری، سبب نادیده انگاشتن معاونت در خودکشی می شود. تصویب قانون جرایم رایانه ای را می توان گامی در راستای اعتلای تکریم حیات و ممانعت از خودکشی دانست. در همین راستا پیشنهاداتی به شرح ذیل مطرح می شود:

۱. هر چند اقدام مرتکب خودکشی، جرم نیست، اما می توان کمیته برخی وجوه معاونت در خودکشی را به صورت مستقل، جرم انگاری نمود. به عبارت دیگر، جرم انگاری معاونت در خودکشی تنها محدود به جرایم رایانه ای نباشد.

۲. اختصاص بخش مشخصی در بیمارستان‌ها به منظور ارائه خدمات رایگان، سریع و به موقع، به گروه‌های در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی به خصوص به افرادی که اقدام به خودکشی کرده و نجات یافته‌اند، اقدام مؤثری در جهت کنترل و کاهش تکرار خودکشی خواهد بود و طبق تحقیقاتی که از بیمارستان‌های مرکز استان قزوین به عمل آمد، بیمارستان‌هایی که محل مراجعه موارد اقدام به خودکشی بودند، فاقد چنین بخش مشخصی به منظور ارائه خدمات رایگان به موارد اقدام به خودکشی هستند. از این رو پیشنهاد می‌شود چنانچه این بخش در برخی بیمارستان‌ها که بیشترین محل مراجعه افراد آسیب دیده اجتماعی یا در معرض آسیب هستند، راه اندازی شود، اولاً از وقوع این حوادث سریع‌تر مطلع خواهند شد و از این رو بهتر می‌توانند به این افراد کمک نمایند. ثانیاً خدماتی که این بخش ممکن است ارائه کند، صرفاً ناظر به موارد اقدام به خودکشی نخواهد بود، بلکه شامل کودک آزاری، همسر آزاری، سالمند آزاری یا معلول آزاری و غیره نیز خواهد بود.

۳. ممانعت از چاپ برخی کتاب‌های نادر مثل کتاب «نابخشوده که شامل متن کامل ترانه‌های گروه متالیکا» کتابی که در سال ۱۳۸۱ با مجوز وزارت ارشاد به چاپ رسیده است، اقدام دیگری است به منظور کاهش خودکشی.

#### منابع

##### منابع فارسی:

۱. اسلامی، سید حسن. (۱۳۸۵)، «حق به مرگی از دیدگاه مسیحیت و اسلام»، مجله پژوهش‌های فلسفی-کلامی دانشگاه قم، شماره ۲۹، پاییز.
۲. جاهد، محمد علی. (۱۳۸۳)، «ضرورت جرم زدایی در حقوق کیفری ایران»، دکتر کیومرث کلانتری، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران.
۳. جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۷)، «پیام خرد»، چاپ اول، تهران، موسسه نشر کرامت.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۳)، «ترمینولوژی حقوق»، چاپ چهاردهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۵. دورکھیم، امیل. (۱۳۸۷)، «خودکشی»، ترجمه نادر سالارزاده امیری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

۶. رضائیان، محسن و دیگران. (۱۳۸۶)، «خودکشی در دین اسلام»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی رفسنجان، شماره ۱۵-۲۲، زمستان ۱۳۸۶.
۷. سلیمانی، حسین. (۱۳۷۸-۷۹)، «نظام جرایم و مجازات ها در آیین یهود»، دکتر رضا نوربها، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۸. عمید، حسن. (۱۳۷۴)، «فرهنگ فارسی عمید»، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. فریدن، مایکل. (۱۳۸۲)، «میانی حقوق بشر»، ترجمه فریدون مجلسی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۰. قاری سید فاطمی، محمد. (۱۳۷۹)، «حق حیات»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۱-۳۲، پاییز و زمستان.
۱۱. قاضی زاده، کاظم و مصطفی سلیمی زارع. (۱۳۸۶)، «کرامات انسانی در پرتو قرآن و روایات»، نشریه بینات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، شماره ۵۳، بهار.
۱۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳)، «مقدمه علم حقوق و مطالعه آن در نظام حقوقی ایران»، چاپ سی و نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵)، «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ سیزدهم، تهران، نشر میزان، تابستان.
۱۴. کاظمی اسفه، ابراهیم و دیگران. (۱۳۸۵)، «فرهنگ کوچک فرانسه-فارسی»، چاپ دوم، تهران، انتشارات رهنما.
۱۵. کرمی، خدابخش. (۱۳۸۱)، «اوتانازی، مرگ آسان و راحت»، چاپ اول، تهران، دفتر نشر معارف.
۱۶. گروتوس، داگلاس. (۱۳۸۵)، «فلسفه عیسی»، ترجمه احمدرضا تقاء، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو.
۱۷. گلن، ویلیام و هنری مرتن. (۱۳۸۰)، «کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید»، ترجمه فاضل خان همدانی، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
۱۸. لطفی، مجتبی. (۱۳۸۱)، «حق حیات»، چاپ اول، رشت، انتشارات کتاب مبین.
۱۹. مظاهری تهرانی، مسعود. (۱۳۸۶)، «حق مرگ در حقوق کیفری»، چاپ اول، تهران، نشر هستی نما.
۲۰. موحد، محمد علی. (۱۳۸۱)، «در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)»، چاپ اول، تهران، نشر کارنامه، بهار.

۲۱. نیکنام، شادی. (۱۳۸۲)، «حق حیات در نظام حقوقی اسلام»، دکتر سید مصطفی محقق داماد، کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه تهران.

منابع عربی

۲۲. عبد الباقي، محمد فواد. (۱۳۶۴)، «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم»، قاهره، دار الکتب مصریه.

منابع لاتین

23. Martin, Elizabeth, **Oxford Dictionary Of Law**, E5, Oxford University Press, 2002 .
24. Austin, John & Brown W. Jethro, **The Austinian Theory of Law**, BiblioBazaar, LLC, 2009 .
25. Crawley, Angela, **Oxford Elementary Learner's Dictionary**, E2, Jangal, 2002 .
26. Dolgoff, Ralph & Frank M. Loewenberg, Donna Harrington, **Ethical Decisions for Social Work Practice**, E8, Cengage Learning, 2008 .
27. Editors of Idea & Robert Trapp, **The debatabase book: a must-have guide for successful debate**, E4, IDEA, 2009 .
28. Edlin, Gordon & Eric Golanty, **Health and Wellness**, E10, Jones & Bartlett Publishers, 2009 .
29. J. Gardner, Thomas & Terry M. Anderson, **Criminal Law**, E10, Cengage Learning, 2008 .
30. K. Sigelman, Carol & Elizabeth A. Rider, **Life-Span Human Development**, E6, Cengage Learning, 2008 .
31. Lo, Bernard, **Resolving Ethical Dilemmas: A Guide for Clinicians**, E4, Lippincott Williams & Wilkins, 2009 .
32. M. Ashley, Benedict & Jean DeBlois, Kevin D. O'Rourke, **Health care ethics: a Catholic theological analysis**, E5, Georgetown University Press, 2006 .
33. [www.123.ir/phone-line/](http://www.123.ir/phone-line/)
34. <http://tarh.majlis.ir/Default.aspx?SearchRules>
35. [www.who.int/mediacentre/multimedia/podcasts/2009/suicide\\_prevention\\_20090915/en/](http://www.who.int/mediacentre/multimedia/podcasts/2009/suicide_prevention_20090915/en/)
35. [www.tarikhema.ir](http://www.tarikhema.ir) (مجموعه کامل عهد عتیق و عهد جدید)



قوانین و اسناد:

۳۶. قانون مجازات اسلامی.

۳۷. قانون مدنی.

۳۸. قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵

39. **American Convention On Human Rights.**
40. **Convention For The Protection Of Human Rights And Fundamental Freedoms.**
41. **International Covenant On Civil And political Rights.**
42. **Universal Declaration Of Human Rights.**
43. **Universal Islamic Declaration Of Human Rights.**
44. **Vienna Declaration And Programme Of Action / Adopted By The World Conference On Human Rights In Vienna On 25 June 1993.**